

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیاوش آزاد
۲۸ جنوری ۲۰۲۳

زنده یاد "قیوم رهبر"

مشعلدار رزم آزادی ملی و اجتماعی خلق افغانستان جاودانه است!

هفتم دلو برابر است به سی و سومین سالگرد به ابدیت پیوستن مشعلدار رزم رهائی ملی و اجتماعی مردم افغانستان، حقوقدان و دانشمند گرانمایه مترقی کشور ما زنده یاد پروفیسر "قیوم رهبر" است. بدین مناسبت، متن زیر را به اختصار ترتیب و در معرض دید و توجه خوانندگان و دوستان این شخصیت مبارزاتی شخیص مردم کشور قرار می دهیم.



تاریخ شورانگیز و پرفراز و فرود این خطه باستانی که افغانستان نام دارد، از زمان باستان تا امروز مشحون از مبارزات طبقاتی، خیزش ها و قیام های توده های رنج و کار این سرزمین علیه ستمگران بومی و متجاوزان استعمارگر بیرونی بوده است. در برهه هایی از این تاریخ رهبران و رهنمود دهندگانی در تحرک و سازماندهی چنین نبرد ها و مبارزات نقش هدایت گرانه داشته و خطوط پایه ئی را به عنوان خون حیاتی این راه رهائی و رستگاری ترسیم و خود قافله را هدایت کرده اند.

در قطب دیگر، حکام ستمگر و استعمارگران متجاوز این حقیقت را پی برده بودند که برای رسیدن به تحکیم سلطه ارتجاعی - استعماری، باید شخصیت های سازمانده و رهنمود دهنده این مبارزات رهائیبخش در عرصه های اجتماعی و ملی را در قدم نخست بایست از میان برداشت. این دو قدرت اهریمنی در همدستی، همسرشتی و همسوئی کامل این سیاست فوق را از دو طریق در کشور های معروض به تجاوز و سلطه گری شان به پیش می بردند:

۱. چگونگی نفوذ در داخل جنبش های ضد استعماری و ضد ارتجاعی؛

۲. فرو آوردن ضربه از بیرون.

در کشور ما، به خصوص پس از کودتای منحوس هفتم ثور مزدوران "خلقی - پرچی" سوسیال امپریالیسم شوروی و متعاقب آن، تجاوز نظامی اشغالگران روسی، دول امپریالیستی در سازمان نظامی ناتو به رهبری امپریالیسم امریکا، به شمول مزدوران بومی شان برای گسترش و تحکیم سلطه استعماری شان در برابر منافع رقیب روسی در افغانستان و کشور های آسیای میانه و ضربت زدن آن، بر آن شدند تا موانع داخلی این نفوذ نو استعماری را رفع و با کنترل

خیزش ضد استعماری توده های میلیونی این سرزمین در تقابل با متجاوزان شوروی و همپیمانان اشغالگرش، ثمره آن رشادت را که شکست رقیب شوروی و مقدرات افغانستان و مردم آن بود، بر بایند.

هم استعمارگر روسی و هم رقباء و همتایان توسعه طلب غربی آن، در این راستا طی حدود چهار و نیم دهه اخیر در قدم نخست در کشور ما به تقویت همه جانبه ارتجاع و نابودی و تطمیع افراد آگاه، سازمانده و رهگشا پرداختند. همین استعمارگران متجاوز به کمک و همدستی ایادی مرتجع بومی خویش در کشور مستعمره و تحت سلطه ما اختناق، ترور، سرکوب، بیکاری، فقر؛ نفاق قومی، زبانی، دینی و سمتی را دامن زده، تاریکی و وحشت را بر ساحت کشور حاکم و شیرازه حیات اجتماعی را از هم پاشیده و جنگ و تباهی را به جای آن مستولی ساخته اند. این پروسه ویرانگر و مصیبت بار تا همین اکنون در ابعاد و اشکال گوناگون با تمام پیامد های خونینش در کشور ما ادامه است.

جاودانه یاد پروفیسر "قیوم رهبر" یک تن از رهبران جنبش انقلابی و آزادی این سرزمین بود که طی یک دهه از موضع استوار مترقی در دفاع از منافع علیای ملی و تاریخی مردم افغانستان علیه اشغالگران روسی و مزدوران بومی شان، استعمار غرب و ارتجاع مذهبی فئودال - کمپرادوری روشنگری و پرتو افشانی و پیشتازی فکری - سیاسی کرده و در حد یک رهنمای مقتدر راه نجات را نیز در شق سوم "امتداد حاکمیت مردمی" نمایاند و نشانی کرد. درست به همین جرم پیشتازی در راه رهایی همه جانبه یک ملت اسیر و یک خلق ستمکش و طرح و تکامل مداوم تئوری های رهنمونی رها نیبخش؛ در شامگاه تیره هفتم دلو ۱۳۶۸ش در شهرک "حیات آباد" شهر پیشاور پاکستان توسط جلاخان ظلمت پسند به دستور امپریالیسم جنایت پیشه سینه ستبر و پر از امیدش آماج گلوله دشمنان ملی و تاریخی خلق این سرزمین قرار گرفت و بالآخر، به جاودانگی پیوست.

زنده یاد "رهبر" تاریخ استعمار، اهداف غارتگرانه و عملکرد آن را در افغانستان، منطقه و جهان به خوبی می دانست و بی وقفه و بی هراس در جهت بیداری مردم و افشای ترفند های استعماری از جوانب مختلف تلاش می ورزید. این اندیشمند مترقی به این حقیقت آگاهی تام داشت که بیداری و آگاهی خلق های مستعمره و نیمه مستعمره خواب خوش حکام ستمگر را به هم زده و خرمن هستی استعمار - ارتجاع را در میان شعله های سرکش خود خاکستر می سازد.

زنده نام "قیوم رهبر" از جایگاه یک رهبر مردمی و آزادیخواه این را می دانست که برای رسیدن به آرمان های بزرگ، باید بازوی اجرائی آن را در دست داشت که این خود کاریست پرحوصله و طولانی که باید قدم به قدم در عملی ساختن آن گام گذاشت. مطرح ساختن ایده های بزرگ هر قدر هم که درست و پرارزش باشد، بدون ارتباط با امکانات عملی، کاری است ناتمام. در این خصوص جاودانه یاد "رهبر" باور آگاهانه داشت که پس از تعیین خط مبارزاتی و اسلوب مناسب و عملی، افزار اجرای آن را نیز باید به وجود آورد.

تحقق این موضوع کار آسانی نبود. بودند گروه هایی که با تعیین اهداف، کار را تمام شده می دانستند. این ها به این پی نمی بردند که طرح و تعیین ایده ها، شعار ها، روش ها و ابزار، هر یکی بخشی از پروسه تحقق یک برنامه است.

جاودانه یاد "رهبر" این مشکل را دانسته بود و یک دهه تمام در تحقق عملی آن کوشیده و گام های ملموسی را برداشت. استعمار و همدستان بومی اش می دانستند که روشنگری، پیشتازی و عمل ورزی چنین شخصیت هایی، تیشه بر ریشه امپریالیسم و ارتجاع دست پرورده آن می زند.

زنده نام "قیوم رهبر" با شناختی که در سطح جهانی از استعمار و تاریخ تاراجگرانه آن و از شیفتگی مجاهدان فی سبیل الله - در نقش فرزندان خلف استعمار - به ثروت و قدرت داشت، در همان زمان دورنمای محتمل کنونی را درک و پیش بینی کرده و هشدار داده بود که استعمار و مزدوران بومی آن چه سرنوشت مصیبت باری را بر سر مردم ما خواهند آورد.

او ابعاد آن مصائب را در همان وقت تشریح و توضیح کرد که در آثار به جا مانده از این دانشمند مترقی می توان آن را مشاهده کرد.

استعمارگران شرقی و غربی از بدو مداخلات، تجاوزات و اشغالگری در افغانستان، جهت عملی نمودن اهداف اسارتیبار خویش، انسان های چیزفهم، پیشتاز و مستعد کشور ما را در قدم نخست از سر راه خود برداشتند تا رهروان راه رهایی بی رهبر بمانند، تا جنبش توده ها به کجراه کشیده شود، نابود شود یا ثمره ایثار و قربانی توده های ایثارگر را برابند. اما همواره همه چیز بر وفق مراد استعمار پیش نمی رود. استعمار و سپس امپریالیسم از قرن پانزدهم تا امروز از افریقا، هند، چین، ویتنام، کامبوج، افغانستان، عراق و... در هر کجا با خون و خشونت و توحش بی نظیر به سرکوب مردمان و ویرانی کشور ها و سرزمین ها پرداخته است، ولی ملت ها و خلق های مصمم به راست ایستادن در برابر این هیولای آدمخوار را نتوانسته نابود کند. این حقیقت را توأم با شکست و رسوائی استعمارگران شرق و غرب در همین قاره ها و کشور های فوق الذکر مشاهده کردیم. منطق تاریخ چنین می گوید: هر جا که ظلم است، مقاومت و مبارزه متلازم با آن خواهد بود.

راه اگر دشوار است و مصائب فراوان، اندیشه رهائیبخش، عزم آهنین، عقیده راسخ به رهایی ستمکشان، و ابزار سازمانی بزرگ ترین سلاح برنده علیه امپریالیسم و نوکران بومی آن است. گام زنی عملی جمعی رهنوردان در راه رهایی، یگانه معیار جدیت راهیان راه و در عین حال، تمیز مدعیان صادق از کاذب نیز است. تلاش جمعی روندگان این طریقت در راستای تحقق این موارد فوق، در ذاتش تجلیلی است شایسته از پیشگامان و زنده یادان راه رهایی ملی و اجتماعی مردم افغانستان، از جمله زنده یاد "قیوم رهبر".

درخشان باد اندیشه فناپذیر "رهبر" و پر رهرو باد راه رنگین به خون سرخ او و همگانش!

چهارم دلو ۱۴۰۱ شمسی